

برخلاف داستان‌ها
یا تئوری‌های توطئه
بی‌پایه و اساس،
سیاه‌رگز با بن لادن،
القاعده یا هیچ‌کدام
دیگر از مبارزان
مستقیم همکاری
یا از آنان حمایت
نکرد؛ آنان را نیز
به استخدام خود
در نیاورد؛ خودشان
آمدند تا با شوروی‌ها
بجنگند

انجام داد نیز همچنان به افزایش مساعدت‌ها و فروش تسلیحات به پاکستان ادامه داد. فروش تسلیحات شامل جنگنده‌های اف ۱۶ با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای نیز می‌شد که پیش‌تر تنها در اختیار متحدان ناتو و ژاپن بود، همچنین ۳۰۲ میلیارد دلار نیز در قالب کمک نظامی داده شد که می‌شد با آن خرید کرد. در یک جلسه محرمانه کنگره در ژوئیه ۱۹۸۷، وزارت امور خارجه نکاتی را بیان کرد که مخصوصاً به نگرانی درباره «تضعیف موضع رئیس‌جمهور در مذاکره با شوروی درباره افغانستان که در مرحله حساسی قرار داشت» اشاره کرد و به همین دلیل، در اواخر آن سال، ریگان یادداشت رئیس‌آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح ایالات متحده را نادیده گرفت که در آن «نکاتی در حمایت قاطعانه» از قطع کمک‌ها ذکر شده بود، چرا که پاکستان قانون پیشگیری ایالات متحده را نقض می‌کرد. البته هیچ تضمینی وجود ندارد که حتی قطع تمام مساعدت‌ها به پاکستان هم جلوی دستیابی این کشور به تسلیحات اتمی را می‌گرفت. ولی مسلم است که تصمیمی که تغییر رژیم در افغانستان را در اولویت قرار می‌داد، مستقیماً این جنبه مهم از منافع امنیت ملی ایالات متحده را نقض کرد.

از آنجایی که توجه مقامات دولت بوش بیشتر معطوف جای دیگری بود، کمک‌های امریکایی به اپوزیسیون افغان به شکل خودکار ادامه یافت و تسلیحات همچنان انتقال پیدا کردند، پاکستان نیز بسیاری‌شان را به دست افراط‌گرایان رساند. در کنار پاکستانی‌ها، سعودی‌ها نیز طی یک بازی دوجانبه در حرف از اهداف امریکا پشتیبانی می‌کردند و در عمل افراطیون درون عربستان را می‌خریدند که برخی‌شان به نوبه خود از افراطیون درون افغانستان حمایت مالی می‌کردند. در این میان حکمتیار ماهانه ۲۵ میلیون دلار عایدی داشت که از حامیان مالی خصوصی سعودی و عرب، از جمله اسامه بن لادن، از طریق پاکستان به دستش می‌رسید. در همین زمان، مبارزانی از سرتاسر جهان اسلام_ عمدتاً از عربستان سعودی، یمن و الجزایر_ همچنان راهی افغانستان شدند و فرصت جهاد با کفار و بیرون راندنشان از سرزمین مسلمانان آنان را به خود جذب کرد. به گفته پیتربرگن، روزنامه‌نگار و کارشناس تروریسم، هواپیمایی ملی عربستان سعودی حتی به سعودی‌هایی که برای مشارکت در جهاد سفر می‌کردند هفتادوپنج درصد تخفیف می‌داد. هیچ‌کس هرگز با قطعیت نخواهد دانست، ولی سیا تخمین می‌زد که سرجمع نزدیک به بیست هزار مبارز خارجی در نهایت در جنگ شرکت کردند، از طرفی پاکستانی‌ها این عدد را حدود سی و پنج هزار نفر برمی‌شمردند. این مبارزان خارجی در میدان نبرد چندان تأثیری نداشتند_ افغان‌ها تمام رزم‌سنگین را انجام می‌دادند_ ولی، همان‌طور که ما نیز بعدتر فهمیدیم، میدان نبرد روی آنان اثر داشت.

برخلاف داستان‌ها یا تئوری‌های توطئه بی‌پایه و اساس، سیاه‌رگز با بن لادن، القاعده یا هیچ‌کدام دیگر از مبارزان مستقیم همکاری یا از آنان حمایت نکرد؛ آنان را نیز به استخدام خود در نیاورد؛ خودشان آمدند تا با شوروی‌ها بجنگند. ولی مساعدت ایالات متحده به پیروزی هدفشان کمک کرد و به این داستان شاخ‌دار و وجدآور دامن زد که جنبش خشن آنان توانست یک ابرقدرت را نابود کند، پیامدی که آنان را در درگیری‌های آینده، از جمله علیه ایالات متحده، جسور ساخت. نخست‌وزیر پاکستان بوتو در دیدار ماه ژوئن از واشنگتن با آینده‌بینی به رئیس‌جمهور جورج بوش پدر گفت که «آقای